

باز آفرینی ناتو با ادعای پیشگیری

■ ■ ■ **قاسم غفوری** ■ ■ ■

پیمان آتلانتیک شمالی(ناتو) در سال ۱۹۴۵ با عنوان مقابله با اتحاد جماهیر شوروی از سوی اروپا و آمریکا تأسیس شد. بر اساس بند ۵ این پیمان، اگر هر یک از اعضا از سوی کشوری تهدید شوند، ناتو برای حمایت از آن اقدام خواهد کرد. پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۰، ناتو تعریف جدیدی از فعالیت‌های خود ارائه داد و به نوعی به پلیس جهان تبدیل شد. نتیجه این اقدامات نیز جنگ‌های لکان و در نهایت اشغال افغانستان بود. در سال ۲۰۱۰ ناتو راهبرد خود را برای سال ۲۰۲۰ دوباره تعریف کرد و آن افزایش فعالیت‌های موشکی و راداری، وارد شدن به عرصه جنگ سایبری، فرهنگی و حتی هسته‌ای بود. بر اساس همین طرح نیز پایگاه موشکی ناتو در ترکیه به طور رسمی عملیاتی شد. آنچه در رفتارهای اخیر ناتو مشاهده می‌شود طراحی آنان برای باز تعریف، جدید از نظامی‌گری است که در قالب واژه پیشگیری از تهدیدات صورت می‌گیرد.



بر اساس همین بازتعریف، ناتو توسعه نظامی در میان ۲۸ عضو خود را تشدید کرده است که محور اصلی آن را نیز افزایش نیروها و تسلیحات آمریکا در اروپا تشکیل می‌دهد که تأسیس پایگاه دائم در اسپانیا و نیز افزایش نیروها در آلمان و اروپای شرقی نمودی از آن است. در همین چارچوب منابع خبری از تشکیل یگان‌های ویژه ناتو با هدایت آلمان برای حفظ مناطق نفوذ ناتو در اروپای شرقی خبر داده‌اند. جالب و قابل توجه آنکه هم‌زمان با این تحرکات دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی غرب، خطر تروریسم برای اروپا را برجسته کرده و تأکید می‌کنند که تروریسم در حال گسترش به غرب است. این فضاسازی چنان بوده که برخی کشورهای غربی از احتمال ورود ناتو به سوریه برای مبارزه با داعش خبر داده‌اند. مقابله با تهدیدات موشکی از مناطق دوردست دیگر بهانه ناتو برای توسعه نظامی خود است که ادعای تهدیدات ایران و کره شمالی را مطرح می‌کنند.

بعد مهم بازتعریف رفتاری ناتو را در لوای واژه مقابله با روسیه می‌توان مشاهده کرد. در همین چارچوب استولتنبرگ، مدیر کل ناتو در توجیه رفتارهای ناتو درباره برنامه این ائتلاف برای مقابله با تهدید روسیه از جمله از طریق افزایش حضور

رخنه

نفوذ رژیم صهیونیستی در جهان اسلام – ۱۷

نیجریه پایگاه رژیم صهیونیستی در غرب آفریقا

■ ■ ■ **عبدالله عبادی** ■ ■ ■

گیرد در نهایت علیه بشریت بوده و محکوم است، ما ضمن محکوم کردن این اقدام غیر انسانی خواستار آزادی این افراد هستیم.»

در زمینه نظامی و امنیتی سطح روابط دو دولت در مرتبه بالایی قرار دارد، از دهه ۱۹۶۰ تا به امروز رژیم صهیونیستی یکی از بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان سلاح و مهمات و همچنین آموزش ارتش‌های آفریقا بوده است، در سال‌های دور اول ریاست جمهوری اوباسانجو وضعیت امنیتی نیجریه به حدی وخیم شد



که به نظر می‌رسید نیجریه به سال‌های پایانی خود رسیده و به زودی به چند کشور کوچک تقسیم خواهد شد، درگیری‌های قومی، قبیله‌ای و مذهبی از یک سو و رشد چشمگیر جرایم سازمان‌یافته سبب شده بود تاوضعیت امنیتی این کشور به طور نگران‌کننده‌ای وخیم شود. در همین زمان ارتش برای برن‌رفن از این مشکل از کارشناسان امنیتی رژیم صهیونیستی درخواست کمک کرد تا تعداد زیادی از افسران این کشور را تحت آموزش‌های خاص قرار دهند، به دنبال این درخواست پلیس نیجریه نیز دست به دامن پلیس رژیم صهیونیستی شد، در

این کشور در بسیاری از زمینه‌ها با مشکلات عدیده‌ای دست به گریبان بود، برای رهایی از این وضع دست به دامان کشورهای غربی، آمریکا و رژیم صهیونیستی شد. در سال ۲۰۰۶اولین گردهمایی آفریقا بازی کرد، در این دوره، سالیانه صدها نفر از کارکنان این رژیم در زمینه‌های کشاورزی، آبیاری، آموزش و پرورش، پزشکی خارجه دو طرف یادداشت تفاهمی را امضا کردند که بر اساس آن موظف به افریقای‌ها در زمینه‌های مختلف آموزش می‌دادند. در همین زمان صدها نفر از استادان، دانشجویان، پزشکان و کارشناسان آفریقای نیز برای گذراندن دوره‌های خاص عازم تل‌آویو شده و به این ترتیب رژیم صهیونیستی گسترش نفوذ خود در قاره سیاه را آغاز کرد. این روند تا جنگ سال ۱۹۷۳ ادامه داشت، پس از شکست اعراب به رهبری مصر در این جنگ بنا به درخواست عبدالناصر روابط بسیاری از کشورهای آفریقایسی با رژیم صهیونیستی به حالت تعلیق درآمد، یکی از این کشورها نیجریه بود.

هرچند روابط سیاسی نیجریه با رژیم صهیونیستی برای سال‌ها قطع شد، اما روابط نظامی و اقتصادی بین دو طرف برقرار بود، این شرایط تا سال ۱۹۹۳ ادامه داشت. در این سال بنا به درخواست رژیم صهیونیستی روابط دوجانبه آغاز شد و مجدداً سفارتخانه رژیم صهیونیستی در نیجریه و سفارتخانه نیجریه در تل‌آویو بازگشایی شد. آغاز همکاری‌های جدی دو طرف به زمان روی کار آمدن اوباسانجو در نیجریه باز می‌گردد، در سال ۲۰۰۰ و پس از پیروزی اوباسانجو در انتخابات ریاست جمهوری نیجریه از آنجایی که

آلمان در سیاست تجارت‌مسلك است؛این رویه‌ای است که پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم و تحقیرهای ایجاد شده برای آن شکل گرفته و با پایان یافتن تسلط شرق بر بخش‌هایی از آلمان شدت گرفته است. آلمان در دوران پساشوروی به این دلیل که هنوز در حوزه‌های نظامی و امنیتی با سخت‌گیری‌ها و نظرات‌های شدید مواجه بود، عمده تلاش و فعالیت‌های خود را در اقتصاد صرف کرد.

این مسئله سبب شد تا در مدت کوتاهی نه‌تنها شرق و غرب کشور را تقریباً به همسانی شکلی و محتوایی برساند؛ بلکه با محور قرار دادن اقتصاد در سیاست، به بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا تبدیل شود. اکنون آلمان تصمیم‌گیرنده جدی در روندها و رویه‌های اقتصادی اروپا است.اگرچه این کشور سعی دارد تجارت را به سیاست ترجیح دهد، اما هنوز با اصطکاک‌های سیاسی شدید، به ویژه در مقابله با آمریکا مواجه است که البته هنوز زور و اجبار آمریکا در موارد زیادی به خواسته آلمان می‌چربد. به همین دلیل آلمان در پس ذهن خود همیشه اختلاف‌ها و عقده‌هایی از آمریکایی‌ها دارد که این موضوع برخی اوقات در مواضع سیاستمدران پیشین آلمانی به چشم می‌آید و در بسیاری از موارد نیز رسانه‌ها آن را مدیریت می‌کنند.

بر همین مبنا آلمانی‌ها عموماً در مباحث تحریم گام‌های آخر را برمی‌دارند و حتی‌الامکان سعی دارند اقتصاد خود را وارد این چرخه نکنند، اما به هر حال قدرت آمریکا هنوز بر آنها می‌چربد. به همین منظور وارد چرخه تحریمی روسیه شدند که حاصل رقابت‌های واشنگتن – مسکو بود؛ چرخه‌ای که آلمان‌ها هم از آن آسیب دیدند.

شواهد نشان داده است که سلسله جاسوسی آمریکا چگونه رفتاری با انگلا مرکل داشت، اما صدراعظم آلمان سعی نکرد در این زمان با آن مقابله جدی داشته باشد. مجموع این سیاست‌ها، انتقادهایی را علیه صدراعظم ایجاد کرده است. اما جدای از این مباحث، آلمان از دیگر مشکلات داخلی و اروپایی برخوردار است که محبوبیت انگلا مرکل را هدف گرفته است. بحث بحران اقتصادی اروپا و چگونگی مدیریت آن، بحران شکل گرفته در شرق اروپا که آسیب‌های امنیتی و اقتصادی دارد، مشکلات شدید پناه‌جویان که می‌تواند حاصل سیاست‌های آمریکایی-اروپایی باشد (در حالی که آمریکا کمترین آسیب را می‌بیند)، اختلافات درونی بر سر چگونگی قدرت‌مداری و بازسازی اندیشه‌های پیشینی نازیستی که جزئی از فرهنگ آلمانی است، اینها همه مجموع عواملی هستند که برای آلمان و رهبران کنونی‌اش بحران‌ساز شده‌اند.

این دلیل که بیکراچی‌گی‌ای که از دهه ۱۹۵۰ برای آن تلاش شده دچار چالش خواهد شد. همچنین بحران اقتصادی و وضعیت کشورهای همچون یونان به اتحاد آرزوی – پولی این منطقه آسیب می‌زند و هرگونه مشکل اقتصادی بر وضعیت آلمان نیز تأثیر منفی دارد.

از سویی بحران غرب آسیا که تنها این منطقه را شامل نمی‌شود، به معضلی

راست‌گرایی افراطی چگونه آلمان و اروپا را تهدید می‌کند؟

■ ■ ■ **رضا اشرفی** ■ ■ ■

به نام پناه‌جویان تبدیل شده که نه تنها آسیب‌های اجتماعی ایجاد می‌کند و ترکیب جمعیتی را تغییر می‌دهد؛ بلکه سبب شدت گرفتن فعالیت‌های راست‌گرایی افراطی در آلمان شده است که به گونه‌ای یادآور تحركات نازیستی پیشین است. راستگرایان کنونی آلمان بیش از همه اسلام را هدف قرار داده‌اند. البته این تحركات بیش از این نیز وجود داشته و گروه‌های ضد اسلام در آلمان بیش از همه با نمادها و فعالیت‌های شهروندان ترکیه مبارزه می‌کردند. اما مسئله پناه‌جویان و اختلافات شکل گرفته با دولت انگلا مرکل سبب شده تا این ضدیت گسترش پیدا کند و کل اسلام را در بر گیرد. وضعیت چنان برای آلمان بحرانی شده که در اقدامی کاملاً تبلیغاتی مرکل از اردوگاه پناه‌جویان در ترکیه بازدید کرد. گروه فعال کنونی در این زمینه «حزب آلترناتیو برای آلمان» است که همان‌طور که از اسم آن نیز مشخص است خواهان تغییر روش‌های سیاسی



این کشور است. «اسلام به آلمان تعلق ندارد» شعار اصلی این حزب است و به گونه‌های مختلف تضعیف اسلام و در تنگنا قرار دادن و حتی حذف مسلمانان از آلمان را دنبال می‌کند. این حزب با پوشش اسلامی، ساخت مساجد، مناره و پخش اذان در آلمان به شدت مخالف هستند.

این حزب اگرچه حدود سه سال است که تشکیل شده، اما توانسته حامیانی در این کشور پیدا کند. مسئله مهم در این زمینه خشونت‌ورزی آنها است که با توجه به سیاست‌های ضداسلام می‌تواند آلمان و اروپا را دچار مشکل کند. اروپا همواره از خیزش راست‌های افراطی رنج می‌برد و از آن نگران است. این موضوع حتی در فرانسه نیز دیده می‌شود. اما آنچه که سبب شده آلمان در این دوره به راست‌گرایی افراطی و گرایش‌های ضد اسلامی دچار شود، سیاست‌های متحدان غربی – عربی در خاورمیانه است که با مشکلی به نام پناه‌جویان شدت گرفته است؛ مشکلی که می‌تواند برای انگلا مرکل دردساز شود و حتی آلمان و اروپا را دچار سرگردانی دوباره کند. بنابراین راه‌حل خروج از این بحران را باید در غرب آسیا و قطع همکاری و اتحاد با تروریسم این منطقه جست‌وجو کرد.

کند و کاو

رخدادهای بیامنون مسائل ایران و آمریکا

واشنگتن: نمی‌توانیم بانک‌ها را به کارهای پر خطر وادار کنیم

خبرگزاری باشگاه خبرنگاران: مقام ارشد وزارت خارجه آمریکا درباره حل مشکلات بانکی پیش روی اجرای برجام گفت: دولت کشورش نمی‌تواند بانک‌های اروپایی هراسان از نقض تحریم‌های واشنگتن را به کارهای پرخطر وادار کند. «جارت بلاک»، معاون هماهنگ‌کننده آمریکایی اجرای برجام در مصاحبه با المانیوتور درباره رفع این مشکلات گفته که دولت کشورش نمی‌تواند به بانک‌ها فرمان بدهد کاری که به نظر آنها پرخطر است را انجام دهند.

ورود پنتاگون به تحریم ایران

خبر گزار ایرنا: دو قانون گذار آمریکایی قصد دارند با ارائه طرحی، واگذاری قراردادهای بیمه‌نگاری از سوی وزارت دفاع کشورشان به شرکت‌هایی که با ایران ارتباط دارند را ممنوع کنند. این طرح که «پیترو رسکام» و «سکی والورسکی» دو نماینده جمهوریخواه در مجلس نمایندگان آمریکا تهیه‌کننده آن بوده‌اند، در صورت تصویب، از شرکت‌های خواستار معامله با وزارت دفاع آمریکا می‌خواهد تأیید کنند که در حال انجام مراودات تجاری با اشخاص ایرانی تحت تحریم وزارت خزانه‌داری آمریکا نیستند. هدف این طرح این است که به شرکت‌ها نشان داده شود باید بین تجارت با آمریکا و ایران، یکی را انتخاب کنند.

ادعای جدید نمایندگان کنگره

خبرگزاری مهر: سه نماینده کنگره آمریکا با ارسال نامه‌ای شدیداللقن به شرکت هواپیماسازی بوئینگ به ارائه خدمات این شرکت به ایران هشدار دادند. سه نماینده کنگره آمریکا در نامه شدیدالحنی به شرکت بوئینگ نوشتند: «هر گونه توافق بوئینگ با ایران کمکی مؤثر به حامی برجسته تروریسم است و هواپیماهای آمریکایی به هواپیماهای جنگی ایران منبدل می‌شوند.» در نامه «پت روساکم»، «باب دالد» و «ندی هولنگرن» سه نماینده جمهوریخواه کنگره آمریکا عاجزانه از «دنیس مولنبرگ» مدیر عامل شرکت بوئینگ درخواست شده است تا از توافق با ایران و تجهیز این کشور به هواپیماهای مسافربری و دیگر خدمات صرف‌نظر شود.

چامسکی: مطمئن نیستم آمریکا به توافق هسته‌ای پایبند باشد

خبرگزاری باشگاه خبرنگاران: «توام چامسکی» فیلسوف و نظریه‌پرداز سرشناس آمریکایی ضمن تأکید بر اینکه ایران به اجرای توافق هسته‌ای پایبند است، گفت: نمی‌تواند به همین اندازه درباره پایبندی آمریکا مطمئن باشد. چامسکی در پاسخ به پرسش خبرنگار الاهرام درباره اینکه آیا ایران به توافقی که با کشورهای غربی امضا کرده پایبند خواهد بود، گفت: با وجود اختلافات داخلی که در ایران وجود دارد، اما به طور کلی به نظر می‌آید ایران به اجرای توافق هسته‌ای پایبند است؛ متأسفانه نمی‌توانم به همین اندازه درباره ایالات متحده مطمئن باشم؛ زیرا حزب جمهوریخواه تمام توان خود را به کار بسته تا توافق را به شکست بکشاند.

باح‌خواهی آمریکا به بهانه برجام

خبرگزاری فارس: مقام ارشد سابق آمریکایی تأکید می‌کند دولت آمریکا باید برای انجام اقدامات لازم جهت حل مشکلات اجرای برجام و ملموس شدن آثار رفع تحریم‌ها برای ایران شرط تعیین کند. «مایکل سینگ»، مدیر ارشد پیشین امور خاورمیانه در شورای امنیت ملی آمریکا پیشنهاد کرده دولت «ه‌اراک اوباما»، رئیس جمهور آمریکا، کمک به حل مشکلات اجرای برجام و ملموس شدن اثرات رفع تحریم‌ها برای ایران را به انجام اقداماتی بیشتر از طرف این کشور مشروط کند. وی همچنین نوشته است: «دولت، همچنین می‌تواند اثبات مقرون به صرفه بودن اقداماتی مانند تولید آب سنگین را به خود ایران واگذار کند و به جای حفظ این فعالیت‌ها (تولید آب سنگین) مشوق‌هایی برای عدم سرمایه‌گذاری در آن زمینه‌ها ارائه دهد.»